

بررسی تاریخی نقش امریکا و انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با توجه به اسناد جدید سازمان سیا

مهری هاشمی^۱، بهروز انصاری^۲

چکیده

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با طراحی انگلستان و آمریکا به انجام رسید، به نهضتی که ملت ایران بعد از ۲۰ شهریور با تلاشی بسیار آغاز کرده بود پایان داد. بنابراین در مبارزه بین ملت و نیروهای استعماری، ملت ما شکست خورد و این پایان غم انگیزی بر نهضت ملی شدن صنعت نفت و آغاز دوره جدیدی از دیکتاتوری و استبداد بوده است.

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات و منابع با استفاده از ابزار کتابخانه ای و منابع اینترنتی انجام شده است.

نتیجه پژوهش گویای آن است که بر اساس اسناد جدید سیا چون وضعیت ایران مطابق با منافع آمریکا و بریتانیا نبوده است تصمیم به طراحی کودتا گرفته اند

واژگان کلیدی: مصدق، کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، انگلیس، امریکا.

۱- دبیر آموزش و پرورش استان مرکزی- شهرستان شازند
۲- کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی

مقدمه

تاریخ معاصر ایران با مسأله‌ی نفت عجین شده است. امتیازاتی که از زمان ناصرالدین شاه در این خصوص به خارجی‌ها داده شد، همواره با حوادث و رویدادهای زیادی همراه بوده است به گونه‌ای که حتی امروزه هم که نفت را به طور کامل در اختیار داریم بیگانگان و در رأس آن‌ها امریکا این شریان حیاتی ما را نشانه گرفته و با تصویب تحریم نفتی ایران همان خاطرات گذشته را در ذهن هر ایرانی تداعی می‌کند که باز همان استعمارگران به شیوه‌های دیگری قصد دارند ما را در محاصره اقتصادی خود قرار دهند.

از اوایل قرن بیستم، براساس امتیازی که ویلیام ناکس دارسی در سال ۱۹۰۱ م (۱۲۸۰ ه.ش) از دولت ایران تحصیل نموده بود و بر اساس آن موفق به کسب امتیاز استخراج و بهره برداری و لوله‌کشی نفت و قیر در سراسر ایران غیر از پنج ایالت (آذربایجان، گیلان، مازندران، گرگان و خراسان) به مدت شصت سال گردید، مشغول بودند. اما در سال ۱۳۲۹ ه.ش، پس از آنکه پارلمان ایران قانون ملی کردن صنعت نفت را به تصویب رساند، تلاش‌های ایرانیان به نتیجه رسید. هنگامی که متعاقب آن، دکتر محمد مصدق به نخست‌وزیری منصوب گردید، روابط دیپلماتیک ایران و انگلیس وارد یک مرحله بحرانی شد. این دوره در ۱۳۳۲ با کودتای ۲۸ مرداد پایان گرفت. در واقع این رویداد یکی از حوادث عمده تاریخ سیاسی معاصر ایران است، زیرا از یک طرف برای اینکه کودتای یادشده نهضت ملی کردن نفت را به نابودی کشاند و از طرف دیگر بدین سبب که این کودتا به عنوان نقطه‌ی شروع توسعه‌ی نفوذ ایالات متحده در ایران مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. کودتایی که نتیجه همکاری قدرت‌های خارجی یعنی انگلیس و امریکا بود.

با توجه به چنین پیشینه‌ی هدف اصلی پژوهش حاضر این است که با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تاریخی نقش امریکا و انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با توجه به اسناد جدید سازمان سیا بپردازد.

پیشینه تحقیق

کاتوزیان (۱۳۸۸) در کتاب خود با عنوان «اقتصاد سیاسی ایران» در بخش‌هایی از آن به بررسی کودتای ۲۸ مرداد پرداخته است. وی پس از توضیحات کافی و شرح واقعه معتقد است که توطئه‌ی خارجی با همکاری نیروهای محافظه کار و استبدادی داخلی باعث وقوع این کودتا شدند.

امین (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «نگاهی دیگر به کودتای ۲۸ مرداد علل و عوامل (آیا از گذشته عبرت گرفته‌ایم؟) نقش قدرت‌های خارجی را در وقوع

کودتا مورد بررسی قرار داده است. وی معتقد است کودتای سپاه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ورقی ننگین در تاریخ ایران بلکه جهان است. دو قدرت بزرگ جهان آن روز یعنی انگلیس و آمریکا، با مداخله‌ی مستقیم در امور داخلی کشورمان حکومتی ملی را که با استبداد داخلی و استعمار خارجی در تقابل بود، سرنگون کردند و ابرقدرت دیگر یعنی شوروی، با سکوتی که علامت رضا بود، از آن کودتا پشتیبانی کرد.

مدنی (۱۳۸۳) در کتاب تاریخ سیاسی معاصر ایران در فصل چهاردهم به بررسی کودتای ۲۸ مرداد پرداخته و این کودتا را نتیجه نقش نیروهای بیگانه یعنی انگلیس و آمریکا و بروز اختلافات بین مصدق و کاشانی می‌داند. از دیدگاه وی اقدامات مصدق در دوره دوم نخست‌وزیری یعنی پس از قیام سی تیر ۱۳۳۱ زمینه را برای آمریکا و انگلیس فراهم کرد تا کودتا را عملیاتی کنند. از جمله اقداماتی که از نگاه این نویسنده توسط مصدق به نهضت ملی ضربه زد عبارتند از: انتصابات مصدق پس از سی تیر که نگرانی عمیق ایجاد کرد. حمایت او از قوام، سیاست ضدیت با روحانیت، صدور فرمان انحلال مجلس، عدم مجازات مسببین قیام سی تیر و...

آبراهامیان (۱۳۸۹) در کتاب خود ایران بین دو انقلاب، تضادهای اساسی و پنهان بین طبقه‌ی متوسط سنتی و جدید و علنی شدن آن را در وقوع کودتا مهم می‌داند. از دیدگاه آبراهامیان مصدق در نتیجه اتحاد با طبقه‌ی متوسط جدید، پشتیبانی سه گروه نماینده بازار - مجاهدین اسلام، حزب زحمتکشان و فدائیان اسلام - را از دست داده بود. لذا زمینه برای وقوع کودتا فراهم شد.

خانم هایس در کنفرانسی که از ۱۸ تا ۲۰ خرداد ۱۳۸۱ با نام «محمد مصدق و کودتای ۱۹۵۳» در دانشکده سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد برگزار شد. تحریم بین‌المللی علیه نفت ایران و ارتباط آن با کودتای ۲۸ مرداد را مورد بررسی قرار داد. وی یکی از مهمترین عوامل سقوط مصدق را تحریم بین‌المللی فروش نفت ایران دانست که با هدف به زانو در آوردن حکومت مصدق صورت گرفت و در واقع تحریم مذکور اقتصاد ایران را نابود ساخت. وی درباره اثرات تحریم فروش نفت بر اقتصاد ایران گفت اگرچه دولت مصدق کسری بودجه را به حداقل رساند و با تشویق صادرات کالاهای غیرنفتی پرداخت و از دید برخی تحلیلگران، موفقیت‌هایی نیز به دست آورد، ولی سرانجام این امر مشکلاتی را برای وضع معیشتی مردم و روابط تجاری با دیگر کشورها فراهم ساخت به گونه‌ای که در اواخر حکومت مصدق خزانه دولت با کسری زیادی مواجه بود و انگلستان به این نتیجه رسید که دولت در آستانه‌ی ورشکستگی است و سفارت آمریکا در تهران چنین نتیجه‌گیری کرد

که مشکلات اقتصادی به حداکثر رسیده در نتیجه زمینه برای مداخله سیا آماده است (شمیرانی، ۱۳۸۱: ۲۰۸).

فرضیات تحقیق

- وضعیت ایران مطابق با منافع آمریکا و بریتانیا نبوده و برای اقدام در ایران از همه‌ی ابزار لازم و از هر مخالفی (و به هر دلیلی که مخالف باشد) از جمله چهره‌های وجیه مذهبی و ملی نیز بهره برداری کرده‌اند. بنظر آنان رضایت و همگامی شاه با آن‌ها مطلوب است اما لازم نیست یعنی طرح کودتا حتی در صورت مخالفت شاه باید با تکیه بر کلیه عوامل انسانی و غیر انسانی خود در ایران به اجرا درآید.

- تلاش برای تسلط بر منابع نفتی ایران توسط امریکا و انگلیس و جلوگیری از افتادن ایران به دام کمونیسم مهمترین عامل سرنگونی نهضت ملی شدن نفت بود که با کودتای ۲۸ مرداد به انجام رسید.

دوره‌ی اول نخست وزیری محمد مصدق (۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ ه.ش الی ۲۴ تیر ۱۳۳۱ ه.ش)

انتخاب مصدق در ۷ اردیبهشت ۱۳۳۰، کانون توجه عامه، را از مجلس به نخست وزیر و خیابان‌ها که مرکز اصلی قدرت برای جبهه ملی بود، منتقل کرد. آن طور که روزنامه هوادار سلطنت «اطلاعات» شکوه می‌کرد، مصدق برای وارد آوردن فشار بر مخالفان و از این طریق، «زیر نفوذ آوردن مجلس» پیوسته به تظاهرات خیابانی متوسل می‌شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۲۹). جمال امامی از صحن مجلس اعتراض می‌کند که:

دولت مداری به سیاست خیابانی نزول کرده است. چنین به نظر می‌رسد که این کشور غیر از راه انداختن میتینگ‌های خیابانی کار بهتری نمی‌تواند انجام دهد. امروز هر جا را که نگاه می‌کنی میتینگ است. میتینگ به این مناسبت، به آن مناسبت و هر مناسبتی، میتینگ دانشجویان دانشگاه، دانش‌آموزان دبیرستان، بچه‌های هفت ساله، حتی شش ساله، از دست این میتینگ‌های خیابانی خسته و عاجز شده‌ام. آیا نخست‌وزیر ما سیاستمدار است یا رهبر عوام؟ چگونه نخست وزیری وقتی با یک مسئله سیاسی روبرو می‌شود، می‌گوید: «من با مردم حرف خواهم زد.»؟ من همیشه این مورد را برای مقامات عالی نامناسب می‌دانستم اما حتی در بدترین کابوس‌های خود نیز تصور نمی‌کردم که یک پیرمرد هفتاد ساله هوچیگر بشود. مردی که همیشه اوباش را در اطراف مجلس جمع می‌کند، جز عوام‌فریب کس دیگری نیست (فاتح، ۱۳۳۵: ۵۸۰).

هرچند مصدق پیوسته به مردم رجوع می کرد، ترکیب نخستین کابینه اش به طور چشمگیری محافظه کارانه بود. هشت پست، از جمله وزارتخانه های مهم کشور و امور خارجه را به کارمندان عالی رتبه ای هوادار جبهه ای ملی سپرد اما چهار پست دیگر، از جمله وزارت جنگ را به طرفداران دربار وا گذاشت. این امر فوراً خصومت فدائیان اسلام را برانگیخت و حکومت را به سبب بی اعتنائی به شرع و خودداری از آزاد کردن ضارب رزم آرا مورد حمله قرار دادند و کوشیدند حسین فاطمی، معاون ویژه نخست وزیر را به قتل برسانند. از سوی دیگر، کاشانی، به رهبران فدائیان اسلام گفت که «مساله نفت» راباید بر همه مسائل دیگر مقدم دارند و به مردم اعلام کرد مادام که جبهه ملی به «مبارزه مقدس و ملی با انگلیس» ادامه دهد، از مصدق کاملاً حمایت خواهد کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۳۰).

بر همین اساس بود که اولین اقدامی که مصدق انجام داد خلع ید از شرکت سابق نفت بود و برای فراهم ساختن مقدمات مراجعه به دعوی شرکت در پیش گرفته شد. از آنجا که اصل ملی شدن صنعت نفت برای انگلیس قابل پذیرفتن نبود چندین اقدام به موازات هم انجام داد. اولاً سعی کرد اختلاف به داوری ارجاع شود و داور خود را نیز تعیین کردند، اما ایران پاسخ داد که اصل ملی شدن نفت ناشی از حق حاکمیت ایران است که طبق حقوق بین المللی قابل تردید نیست و هیچ مقام بین المللی هم صلاحیت قضاوت در چنین امری را ندارد. ثانیاً به تهدید متوسل شدند. انگلیس به حمایت از شرکت نفت چتربازان خود را به حال آماده باش در آورد و عمل ایران را غیردوستانه خواند و موضوع را مربوط به داوری دانست و ثالثاً انگلیس به دیوان دادگستری بین المللی لاهه شکایت کرد. رابعاً آمریکا را به وساطت و ادار ساختند (مدنی، ۱۳۸۳: ۴۳۰-۳۸۴). در این راستا آمریکا سعی نمود مقدمات سازش را فراهم کند بنابراین مذاکراتی با هیات جاکسون، هاریمن و استوکس و حتی ورود بانک بین المللی عمران و توسعه برای حل قضیه انجام شد اما هیچکدام به نتیجه نرسید.

به هر حال در ادامه به دنبال شکایت دولت انگلیس از دولت ایران و طرح شکایت مزبور در شورای امنیت سازمان ملل، دکتر مصدق عازم نیویورک شد و به دفاع از حقوق ایران پرداخت. سپس به دادگاه لاهه رفت و در احقاق حق ملت ایران به پیروزی دست یافت. مصدق پس از بازگشت دولت جدید خود را به شاه معرفی کرد. در این دولت پست وزارت جنگ را نیز خود برعهده گرفته بود که با مخالفت شاه مواجه شد. شاه چندان تمایلی نداشت که کل

قدرت را به وی واگذار کند. نتیجه این بحث و جدل، استعفا و خانه‌نشینی مصدق بود. اما رهبر روحانی نهضت ملی شدن نفت آیت‌الله کاشانی این بار زمام امور را در دست گرفت و قیام ۳۰ تیر حاصل فراخوان وی بود. مصدق تنها ۴ روز از نخست‌وزیری برکنار شد و قوام‌السلطنه که چندان رقیب مناسبی برای او نبود دولتش در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ سقوط کرد. همزمان با این پیروزی، دیوان لاهه نیز رأی خود را به نفع ایران صادر کرد و عدم صلاحیت خود را در رسیدگی به شکایت دولت انگلستان اعلام نمود (معزی، ۱۳۹۲).

قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و دوره دوم نخست‌وزیری محمد مصدق

پس از افتتاح مجلس دوره هفدهم، دکتر مصدق در هفدهم تیر ماه ۱۳۳۱ بنا بر سنت پارلمانی از سمت خود استعفا کرد. این در حالی بود که او به تازگی از مسافرت خود جهت شرکت در دادگاه بین‌المللی لاهه به وطن بازگشته بود. در این مسافرت که بیش از یک ماه به طول انجامید، دکتر مصدق با شرکت در جلسات دادگاه ضمن دفاع حقوقی از منافع ایران و رد صلاحیت دیوان لاهه برای رسیدگی به شکایت انگلستان و با استفاده از تریبون آزاد آن دیوان به افشای سیاست‌های استعماری انگلستان پرداخت. در چنین اوضاعی رأی اعتماد مجلس از نظر مصالح ملی با توجه به تأثیری که می‌توانست در رأی دیوان لاهه داشته باشد حائز اهمیت بود، چرا که رأی عدم اعتماد مجلس به دولت به مفهوم بی‌اعتمادی مجلس از کارکرد دولت مصدق در دیوان لاهه را به همراه داشت و در رأی صادره دیوان می‌توانست تأثیری منفی برای ایران داشته باشد. مجلس شورای ملی در پی تظاهرات گسترده و اعتصابات مردم در حمایت از دولت در پانزدهم تیر، تحت تأثیر فشار افکار عمومی مجدداً به دکتر مصدق رأی داد، اما مجلس سنا رأی خود را به بعد از اظهار نظر شاه موکول کرد و به این ترتیب نارضایتی خود را برملا ساخت. این موضعگیری با مخالفت دکتر مصدق مبنی بر اینکه تا پیش از ابراز تمایل مجلس مسئولیت نخست‌وزیری را نخواهد پذیرفت مواجه شد و نهایتاً مجلس سنا مجبور شد به دکتر مصدق رأی اعتماد بدهد. در نتیجه روز نوزده تیر ماه شاه فرمان مجدد نخست‌وزیری دکتر مصدق را صادر کرد. این بار دکتر مصدق ضمن اعلام برنامه‌های خود، تقاضای تصویب لایحه اختیارات را به مدت شش ماه از مجلس کرد. مخالفان او اعم از وابستگان دربار و حزب توده با به راه انداختن تبلیغات وسیع، گرفتن اختیارات را به معنی هموار کردن دیکتاتوری قلمداد کردند. در این شرایط دکتر مصدق روز ۲۵ تیر ۱۳۳۱ برای مشورت و تبادل نظر در مورد وزیران جدید به دیدن شاه رفت. وی تفصیل این ملاقات را در

خاطرات خود آورده است. مصدق تصمیم گرفته بود اختیار تعیین وزیر جنگ را از شاه بگیرد «تا دخالت دربار در آن کم شود و کارها در جهت صلاح کشور پیشرفت کند...» واکنش شاه در برابر این پیشنهاد چنین بود: «پس بگوئید من چمدان خود را ببندم و از این مملکت بروم.» مصدق در پاسخ فوراً گفت که در این صورت استعفا خواهد داد (مصدق، ۱۳۶۵: ۲۵۹).

در آن اوضاع و احوال جانشین مصدق کسی جز قوام یا سید ضیاء نمی‌توانست باشد. مطابق اسناد منتشره شاه تا این زمان به برکناری دکتر مصدق و نخست‌وزیری قوام یا سید ضیاء که انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها پیشنهاد می‌کردند مایل نبود و می‌خواست کار نفت به دست مصدق حل و فصل شود. این سیاست حمایت نسبی از مصدق نه از روی علاقه و موافقت با او بلکه به سبب آگاهی از محبوبیت او در نزد مردم بود، از سوی دیگر شاه به قوام و سید ضیاء اطمینان نداشت.

در جراید داخلی و خارجی به طور همزمان زمزمه‌ی روی کار آمدن قوام بر سر زبان‌ها افتاده بود. علاوه بر اینکه برخی از چهره‌های مشخص منتسب به دربار مانند تاج‌الملوک، اشرف و علی‌رضا (مادر، خواهر و برادر شاه) و سیدحسین امامی (رئیس مجلس شورا) از او حمایت می‌کردند، رایزن سفارت انگلستان به نام ساموئل فال معتقد بود که قوام تنها شخصی است که می‌تواند با اوضاع فعلی مقابله کند. سفیر آمریکا هم قوام را بهترین جانشین مصدق می‌دانست (نجاتی، ۱۳۷۶: ۴۲۸)، اما شاه با توجه به سوابق قوام در دوران نخست‌وزیری قبلی‌اش با صدارت او مخالف بود و او را قابل کنترل نمی‌دانست. فشار سفارتخانه‌های انگلیس و آمریکا و همچنین مخالفان داخلی مصدق که شاه را به بی‌تصمیمی و انقیاد در برابر جنجال و هیاهوی جبهه ملی و مرعوب شدن و در افتادن در دام عوام‌فریبی‌های مصدق متهم می‌کردند، از یک سو و تضمین قوام مبنی بر اینکه در انتخاب وزیران با صلاحدید شاه اقدام خواهد کرد از سوی دیگر شاه را به این تصمیم تشویق کرد.

به هر حال مجلس شورا در ۲۶ تیر ماه ۱۳۳۱ به نخست‌وزیری قوام رأی داد. قوام موفقیت خود را در گرو انحلال مجلس می‌دانست و هوادارانش هم اصرار داشتند پیش از گرفتن فرمان انحلال تن به قبول مسئولیت ندهد، اما ظاهراً شاه به هر زبانی که بود قوام را راضی کرده بود بدون اصرار در انحلال مجلس دولت خود را تشکیل دهد. طبق یادداشت‌های ارسنجانی، عباس اسکندری که در جریان مذاکرات بود به ارسنجانی گفت: «هنوز اعلیحضرت [با انحلال مجلس] موافقت نکرده‌اند ولی مآلاً موافقت خواهند کرد» (ارسنجانی، ۱۳۶۶:

روز ۲۷ تیر ماه که خبر نخست‌وزیری قوام به همه جا رسید اعلامیه‌ای شدیدالحن به نام او از رادیو انتشار یافت که در آن ضمن ایجاد رابطه با انگلیس به قلع و قمع گروه‌های سیاسی، تهدید گروه‌های اسلامی و ایجاد دادگاه‌های انقلابی و اعدام مخالفان تأکید شده بود. علاوه بر اینکه صدور این اعلامیه‌ی پُرطمطراق بگومگوهای زیادی را به دنبال آورد و مخالفت بسیاری را برانگیخت، قوام مرتکب اشتباهی دیگر شد و آن تصمیم به توقیف آیت‌الله کاشانی بود. این تصمیم در حالی بود که هنوز مجلس منحل نشده بود و آیت‌الله کاشانی در سمت نمایندگی مجلس مصونیت داشت. این اقدام قرار بود ۴ بعد از ظهر ۲۹ تیر ماه عملی شود، اما ساعتی قبل رادیو لندن خبر توقیف را افشا کرد و بلافاصله از دربار پیغام رسید که از توقیف صرف‌نظر شود. به این ترتیب پرده از کار قوام برافتاد و عجز و درماندگی او در مقابله با اوضاع بر همه روشن گشت. در همان روز ۲۸ تیر ماه آیت‌الله کاشانی اعلامیه‌ای خطاب به افسران ارتش و سربازان انتشار داد و از آنان خواست که به روی برادران خود اسلحه نکشند. در ۲۹ تیر ماه اعلامیه دیگری از سوی ایشان منتشر شد که در تهییج مردم و مبارزه با قوام نقش بسیار سازنده‌ای داشت. در پی صدور اعلامیه آیت‌الله کاشانی، اعلامیه دیگری نیز از سوی نهضت ملی خطاب به سربازان و افسران ارتش و نیروهای انتظامی صادر گردید. رفته رفته کارخانه‌ها و تجارتخانه‌ها تعطیل کردند و در خیابانهای اصلی شهر و میدان بهارستان تظاهرات به راه افتاد و مردم شعار مرگ بر قوام و زنده باد مصدق سر دادند. در پایان ۲۹ تیر مردم آمادگی زیادی پیدا کرده بودند تا روز بعد در برابر قدرت دربار و قوام به مقابله برخیزند. در روز ۳۰ تیر اقبال مختلف مردم و گروه‌های سیاسی در میادین و خیابانهای تهران به حمایت از دکتر مصدق به تظاهرات پرداختند. در این تظاهرات که به درگیری شدید میان نیروهای نظامی و مردم منجر گردید عده‌ای مقتول و مجروح شدند. در این روز عده‌ای از نمایندگان مجلس شورا با شاه ملاقات و خطر سقوط رژیم پهلوی را اعلام کردند، شاه قوام را از نخست‌وزیری معزول و فرمان نخست‌وزیری مصدق را مجدداً صادر نمود. روز بعد پس از قیام سی تیر، دیوان لاهه اعلام کرد که در رسیدگی به اختلاف ایران و انگلیس در مورد مسئله نفت صلاحیت ندارد. دکتر مصدق به مناسبت تجلیل از شهدای روز سی تیر کلیه ادارات دولتی را تعطیل عمومی نمود و مجلس قیام سی تیر را «قیام ملی» و شهدای آن روز را «شهدای ملی»

نامید. قیام سی تیر و رأی دیوان لاهه به منزله شکست انگلیس در ایران تلقی شد و تجربه این قیام نشانه همبستگی ملی و پیروزی مردم بر استبداد و استعمار بود (میری، ۱۳۹۲). بدین ترتیب مصدق پیروز شد و دوباره به سمت نخست‌وزیری رسید.

کودتای ۲۸ مرداد و نقش انگلیس و امریکا در آن با توجه به اسناد جدید سیا انگلستان برای غارت و سیطره مجدد بر نفت ایران، خلع دولت مصدق را تنها راه حل می‌دانست که شرکت نفت انگلیس و ایران نیز با آن موافق بود. اسناد منتشر شده توسط وزارت امورخارجه بریتانیا در دهه‌های اخیر توضیح می‌دهد که طرح اشغال آبادان را — که مرکز بزرگترین پالایشگاه نفتی در ایران و خاورمیانه است — بریتانیا طراحی و آماده کرده بود، اما قبل از شروع عملیات نظامی، موضوع با پرزیدنت ترومن مورد بحث قرار گرفت و رد گردید و دولت امریکا نپذیرفت که در چنین اقدامی از بریتانیا حمایت کند (گازیوروسکی، ۱۳۶۷: ۲۲)، زیرا به اعتقاد ترومن، مداخله نظامی در ایران به حمله اتحاد شوروی می‌انجامید (Rhodri, 1989: 90). هنگامی که بریتانیا از موثر واقع شدن راه‌حل‌های سیاسی برای بستن راه بر دولت مصدق ناامید گردید، کودتا را به عنوان یک راه حل بررسی کرد.

برای درک برنامه‌ریزی انگلیسی‌ها به منظور به‌کارگیری گروه‌های ایرانی علیه دولت مصدق، باید اطلاعات ارائه‌شده توسط وودهاوس را مطالعه کرد. وی در سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۱ در سفارت انگلیس در تهران کار می‌کرد و در ساماندهی عملیات هدایت‌شده علیه مصدق (عملیات چکمه) نقش داشت. وودهاوس توضیح می‌دهد که وی و همکارانش برای هدایت گروه‌های ایران علیه دولت کشور خودشان، چگونه عمل کردند. شایان ذکر است که همه همکاران وی از متخصصان جاسوسی در ایران بودند (رفیع، ۱۳۸۶: ۱۲).

سه برادران رشیدیان، که نفوذ زیادی در پارلمان و در بازار داشتند، به طرح وودهاوس وارد شدند. در واقع، آن‌ها قادر بودند که مردم کوچه و بازار را هماهنگ با سیاست‌های بریتانیا جهت دهند. برادران رشیدیان افرادی ثروتمند بودند و یک سازمان شهری را که علیه مصدق توطئه می‌کرد رهبری می‌کردند. نیازهای مالی این سازمان را سفارت بریتانیا در تهران تامین می‌کرد. همچنین برخی از ایرانی‌ها در خدمت بریتانیا بودند. به عنوان مثال، فردی که

در جلسات هیات وزیران ایران شرکت می نمود، تصمیمات و مباحث محرمانه دولت مصدق را به سفارت بریتانیا گزارش می کرد. علاوه بر آن وودهاوس و همکارانش از همکاری روزنامه نگاران خارجی بهره مند بودند. او مخفیانه از طریق مرز عراق و با مقدار بسیاری سلاح به ایران وارد شد. این سلاح ها در اطراف تهران، زیر خاک پنهان گردید و در هنگام ضرورت آماده استفاده بود (Woodhouse, 1982).

در ۲۲ اکتبر ۱۹۵۲، هنگامی که روابط دیپلماتیک انگلیس و ایران قطع شد، وودهاوس باید ایران را ترک می کرد. با وجود این، به لطف بریتانیایی های مقیم ایران و یک مامور سرویس مخفی این کشور، وی با واسطه هایی ایرانی در ارتباط بود. او دفتر جدیدی در قبرس ایجاد کرد که سرفرماندهی نظامی ایران آن را هدایت می کرد (رفیع، ۱۳۸۶: ۱۲).

انگلیسی ها همچنین در حالیکه از تایید ملی شدن صنعت نفت ایران خودداری می کردند، می کوشیدند با امریکا متحد شوند. از طرف دیگر مصدق نیز به کمک و حمایت امریکا امیدوار بود. برای حل مسأله ی نفت، امریکایی ها استفاده از دیپلماسی را ترجیح می دادند و هنگامی که بریتانیا تصمیم به اقدام نظامی در ایران گرفت، پرزیدنت ترومن با آن مخالفت کرد و برای برقراری گفتگو بین طرفین، مشاور خود، آورل هریمن را به ایران فرستاد، اما وی نتیجه ای حاصل نکرد. دولت بریتانیا در تلاش سیاسی خود برای به دست آوردن همکاری دولت امریکا، روی خط نفوذ کمونیست ها در ایران تکیه می کرد. این دولت می کوشید ترس را از روح و جوهره امریکایی ها، که معتقد بودند سقوط مصدق کمونیست ها را به قدرت می رساند، بیرون کند (ایدن، ۱۳۵۷: ۲۸۸).

در تعقیب این هدف، پس از قطع روابط انگلیس و ایران، وودهاوس عازم واشنگتن شد و کوشید مقامات امریکایی را متقاعد کند و حمایت سیا را جلب نماید. در این باب، وی خطر کودتا توسط حزب توده (حزب ایرانی کمونیست طرفدار شوروی) را خاطر نشان می کرد (Woodhouse, 1982:37).

وقتی روزولت، رئیس عملیات سیا در خاورمیانه، از تهران بازمی گشت، برای مذاکره با مقامات انگلیسی در لندن توقف کرد و این برای اولین بار بود که طرحی که هدف آن سقوط دکتر مصدق بود با روزولت مورد بحث قرار گرفت (روزولت، ۱۳۵۸: ۱۱۶-۱۱۵). روزولت، به محض بازگشت به واشنگتن، نتیجه ی مذاکرات خود با مقامات انگلیسی در لندن را برای آلن دالس، معاون سیا، توضیح داد. این مذاکرات بین طرفین محرمانه باقی ماند و

پرزیدنت ترومن و آچسون، وزیر امور خارجه، از این مذاکرات مطلع نشده بودند، زیرا از یک طرف آچسون جذب مصدق شده بود و از طرف دیگر انتخابات ریاست جمهوری، که بنا بود چندی بعد برگزار گردد، اجازه‌ی این تفکر را می‌داد که جمهوری خواهان به قدرت خواهند رسید و در نتیجه فاستر دالس، برادر آلن دالس، به وزارت امور خارجه منصوب خواهد شد. به این دلیل، روزولت و آلن دالس نمی‌خواستند که دولت دموکرات، که به زودی جای خود را به رقیب می‌داد، در مسیری وارد شود که مواضعشان کمتر از جمهوری خواهان قاطع و مشخص بود.

با توجه به این وضعیت، وودهاوس نتیجه‌ی مساعدی از این مذاکرات حاصل نکرد و می‌بایست تا انتخابات ریاست جمهوری منتظر می‌ماند. در مورد همکاری انگلیس - آمریکا، باید ما نگاه خود را متوجه این موضوع سازیم که لویی هندرسون، سفیر آمریکا در تهران، با انگلیسی‌ها همکاری می‌کرد، و وودهاوس، رئیس ام. آی سیکس در ایران، بر آن تاکید کرده است. مصدق بر این باور بود که هندرسون حتی در توطئه‌ی ۲۸ ژانویه ۱۹۵۳ نیز دست داشته است. در آن روز، شاه ایران تصمیم گرفت به خارج از کشور مسافرت کند، مصدق نخست‌وزیر برای دیدار وی به کاخ شاه رفت. در آنجا وی پیغامی دریافت کرد مبنی بر اینکه لویی هندرسون به منظور مذاکره در مورد موضوعی فوری می‌خواهد وی را ملاقات نماید. در بازگشت، در حالی که مصدق از کاخ شاه خارج می‌شد، گروهی در اطراف قصر در حال تظاهرات بودند و می‌خواستند به وی سوء قصد کنند. مصدق بلافاصله از توطئه مطلع شد و از در دیگری خارج گردید و خطر مهاجمان را پشت سر گذاشت. مدتی بعد، او اظهار کرد که سفیر آمریکا برای هیچ موضوع فوری به ملاقات وی نیامده بود (مصدق، ۱۳۶۵: ۱۸۶-۱۸۵).

در خصوص توطئه امریکایی - انگلیسی علیه مصدق، به نظر می‌رسد باید نکته دیگری را خاطر نشان کرد: هنگامی که آخرین پیشنهاد امریکا را، که می‌خواست مانع ملی شدن صنعت نفت شود، دولت ایران رد نمود، ایالات متحده عزم خود را در مقابل مصدق جزم کرد.

طراحی کودتا و اسناد جدید سازمان سیا

طرح کودتا را مقامات انگلیسی تهیه کرده بودند و وودهاوس، هنگامی که به امریکا بازگشت، خلاصه‌ای از طرح را با خود برد. براساس این طرح، انگلیسی‌ها

از دو نیروی مجزا بهره می‌بردند: دسته‌ی اول سازمان شهری تحت هدایت برادران رشیدیان، متشکل از افسران عالی‌رتبه پلیس، چندین نماینده و سناتور، عده‌ای از روزنامه‌نگاران و سیاستمداران، و علاوه بر آن افراد ولگرد بودند. مقرر شده بود آن‌ها تهران را تحت کنترل درآورند و سپس مصدق و وزرایش را بازداشت کنند. عوامل دیگری که در طرح بریتانیا جای می‌گرفتند روسای قبایل جنوب ایران بودند که می‌بایست زمانی که سازمانهای شهری عملیات خود را شروع می‌کردند، در شهرهای بزرگ جنوب قدرت خود را به نمایش می‌گذارند. علاوه بر طرح کودتا، لیستی از پانزده سیاستمدار ایرانی، که مستعد جانشینی مصدق بودند، به مقامات امریکایی ارائه گردید (Woodhouse, 1982:38-40).

با پایان یافتن انتخابات ریاست‌جمهوری، آیزنهاور به عنوان رئیس‌جمهور امریکا در دسامبر ۱۹۵۲ انتخاب گردید و کار خود را از ژانویه ۱۹۵۳ آغاز کرد و از فوریه ۱۹۵۳ مذاکرات جدیدی بین طرفین انجام شد. نمایندگان دولت بریتانیا و ایتلیجنس سرویس در ۳ فوریه در واشنگتن گرد آمدند و طرح عملیات مشترک تحت عنوان عملیات آجاکس مورد توافق قرار گرفت (Woodhouse, 1982:147).

برای جانشینی مصدق، امریکایی‌ها ژنرال فضل‌الله زاهدی را انتخاب کردند. سپس تصویب نهایی طرح مدنظر قرار گرفت. در پایان مارس ۱۹۵۳ این طرح را چرچیل، نخست‌وزیر، و ایدن، وزیر امور خارجه بریتانیا، و همچنین آیزنهاور و جان فاستر دالس، وزیر امور خارجه امریکا، تصویب کردند.

در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳، جلسه‌ی نهایی برای تصویب طرح اجرای کودتا در دفتر وزیر امور خارجه امریکا برگزار شد و امریکایی‌ها روی جزئیات طرح اجرایی کنکاش نمودند. این طرح را که به تصویب انگلیسی‌ها رسیده بود، امریکایی‌ها نیز تصویب کردند. جان فاستر دالس محتوای طرح را چنین خلاصه کرد: این طرح توضیح می‌داد که چگونه آن‌ها از دست مصدق خلاصی و رهایی خواهند یافت (نجاتی، ۱۳۷۶: ۳۳۳)، پس از این تصویب نهایی، سیا مسئولیت اجرای طرح را به عهده گرفت و روزولت مامور فرماندهی عملیات کودتا شد.

برای اولین بار پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سازمان سیا با انتشار اسنادی جدید و یا به عبارت بهتر به روز رسانی اسنادی که قبلاً منتشر شده بودند، به صورت علنی اقرار به شرکت در کودتای سرنگونی محمد مصدق، نخست‌وزیر وقت ایران، کرد. سیا در سال ۱۹۸۱ و در واکنش به دعوی قضایی اتحادیه‌ی

آزادی‌های مدنی آمریکا مجموعه اسنادی با عنوان «نبرد برای ایران» که در اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ تهیه شده بودند را منتشر کرد. اما این اسناد به شدت سانسور شده بودند و تمام اشاره‌ها به عملیات TPAJAX (آژاکس - اسم رمز عملیات کودتا به رهبری سیا) در آن با رنگ سیاه پوشانده شده بودند. در نسخه‌ی جدید این اشارات نیز منتشر شده‌اند. در سندی که به تازگی ارائه شده به وضوح عملیات آژاکس تشریح شده است. علاوه بر این اسناد دیگری که توسط سازمان سیا منتشر شده‌اند شامل گزارش‌های کاری کریمت روزولت، افسر ارشد سازمان سیا، است که در زمان کودتای سال ۱۳۳۲ ظاهراً عنوان ریاست این عملیات را در ایران بر عهده داشت. این اسناد نیز اطلاعات جدیدی درباره اقدامات سیا قبل و بعد از کودتا ارائه می‌کنند (سایت الف، ۱۳۹۲).

«آژاکس» اسم رمز دسیسه‌ای بود که در هر مرحله از اجرای آن، افرادی در داخل ایران هم دست داشته‌اند. این عملیات چند مرحله داشت: به راه انداختن تبلیغات منفی با هدف زیر سوال بردن صلاحیت سیاسی مصدق، ترغیب شاه به همکاری، پرداخت رشوه به اعضای پارلمان، سازماندهی نیروهای نظامی و نهایتاً به راه انداختن تظاهرات‌های عمومی. اولین تلاش برای اجرای کودتا با شکست مسلم مواجه شد، اما نیروهای مجری کودتا بعد از تحرکاتی گسترده، در مرحله دوم در کنار هم قرار گرفتند و نهایتاً در روز ۲۸ مرداد، موفق شدند (سایت تابناک، ۱۳۹۲).

مراحل انجام عملیات کودتا در چهار بخش تشریح شده است:

مرحله اول: به راه انداختن تظاهراتی گسترده در تهران بین ساعت ۶ تا ۱۰:۳۰ صبح. این مرحله چهار گروه از اوباش اجرا می‌کنند.

مرحله دوم: ورود نظامیان و عوامل سری در برنامه بین ساعت ۱۰ صبح تا ۳ عصر. در این مرحله پلیس، نیروهای ارتش و عوامل اطلاعاتی وارد عمل می‌شوند. در این مرحله سه نقطه هدف وجود داشته. در نقطه اول در میدان ارک، بین ساعت ۱۲ تا ۱:۳۰ اداره تبلیغات، وزارت کشور و وزارت امور خارجه اشغال می‌شود. نقطه دوم میدان بهارستان است. در این منطقه بین ساعت ۱۰ تا ۱۱، دفاتر چند حزب و روزنامه به آتش کشیده شده و تخریب می‌شود. میدان توپخانه سومین هدف است. تالار شهر، تلگراف‌خانه، شهربانی و دژبانی بین ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۵ در این منطقه اشغال می‌شوند.

مرحله سوم: ورود تانک‌ها و تصرف آن‌ها به دست نیروهای حامی شاه بین ساعت ۵ صبح تا ۲:۳۰ عصر. در این مرحله، سه تیپ ارتش تانک‌های خود را به میدان می‌آورند، تا نیروهای حامی شاه آن‌ها را به تصرف خود درآورند. قرار است ۲۴ دستگاه از تانک‌ها به کنترل عوامل کودتا درآید.

مرحله چهارم: دستیابی به اهداف تعیین شده بین ساعت ۲ تا ۷ عصر. در این مرحله، نیروهای کودتا بین ساعت ۲ تا ۴ رادیو را به تصرف درمی آورند. زاهدی در حالی که کودتاچیان به سمت خانه دکتر مصدق حرکت کرده‌اند، بین ساعت ۴ تا ۵ به عنوان نخست‌وزیر جدید خطاب به ملت از رادیو ملی نطق می‌کند و نهایتاً در ساعت ۷ عوامل کودتا خانه مصدق را گرفته و وی را وادار به فرار می‌کنند (سایت تابناک، ۱۳۹۲).

نتیجه گیری

هر دو دولت ایالات متحده و بریتانیا درصدد بودند برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی ایران و سرانجام فرو افتادن آن در مدار شوروی، فرد دیگری را جایگزین مصدق کنند. از دیدگاه آنان تنها از راه یک جایگزینی برنامه ریزی شده است که می‌توان یکپارچگی و استقلال این کشور را تضمین کرد و سرلشکر زاهدی، هم اکنون تنها فردی بود که از دیدگاه آنها که قدرت راهبری یک دولت جدید را دارد و برای سرکوبی نفوذ کمونیست‌های شوروی و انجام اصلاحات بنیادی، شایان اعتماد است. بر این اساس بود که دولتین انگلیس و امریکا طرح کودتا علیه مصدق را به اجرا درآوردند. همچنین وضعیت ایران مطابق با منافع آمریکا و بریتانیا نبوده و برای اقدام در ایران از همه ابزار لازم و از هر مخالفی (و به هر دلیلی که مخالف باشد) از جمله چهره‌های وجیه مذهبی و ملی نیز بهره برداری کرده‌اند. به نظر آنان رضایت و همگامی شاه با آنها مطلوب است اما لازم نیست یعنی طرح کودتا حتی در صورت مخالفت شاه باید با تکیه بر کلیه عوامل انسانی و غیر انسانی خود در ایران به اجرا درآید. بنابراین، تلاش برای تسلط بر منابع نفتی ایران توسط امریکا و انگلیس و جلوگیری از افتادن ایران به دام کمونیسم مهمترین عامل سرنگونی نهضت ملی شدن نفت بود که با کودتای ۲۸ مرداد به انجام رسید.

منابع و مأخذ

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

ارسنجانی، حسن (۱۳۶۶)، یادداشتهای سیاسی در وقایع سی تیر، تهران: هیرمند.

امین، سید حسن (۱۳۹۰)، حقوق و سیاست: نگاهی دیگر به کودتای ۲۸ مرداد علل و عوامل (آیا از گذشته عبرت گرفته ایم؟ ماهنامه حافظ، شماره ۸۴، صص ۷۱-۷۰).

فاتح، مصطفی (۱۳۳۵)، پنجاه سال نفت ایران، تهران: انتشارت چهر.

کاتوزیان، محمدعلی (همایون) (۱۳۸۸)، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی)، ترجمه ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۳)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی

مصدق، محمد (۱۳۶۵)، خاطرات و تألمات دکتر مصدق، تهران: انتشارات علمی. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۶)، مصدق، سالهای مبارزه و مقاومت، جلد اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. روزولت، کریمت (۱۳۵۸)، کودتا در کودتا، ترجمه علی اسلامی، تهران: شرکت سهامی خاص.

مصدق، محمد (۱۳۶۵)، خاطرات و تألمات دکتر مصدق، تهران: انتشارات علمی. گازیوروسکی، مارک جی (۱۳۶۷)، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه غلامرضا نجاتی، تهران: شرکت سهامی انتشار. طاهری شمیرانی (۱۳۸۱)، «محمد مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، نشریه تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۱، صص ۲۱۶-۲۰۱. ایدن، آنتونی (۱۳۵۷)، خاطرات آنتونی ایدن، ترجمه کاوه دهقان، تهران: انتشارات فرزانه.

رفیع، حسین (۱۳۸۶)، طراحی کودتای ۲۸ مرداد، فصلنامه زمانه، شماره ۵۶ معزی، فاطمه (۱۳۹۲)، دکتر محمد مصدق، قابل دسترسی در سایت:

http://iiichs.org/index.asp?id=565&doc_cat=7

میری، رزیتا (۱۳۹۲)، قیام سی تیر ۱۳۳۱، قابل دسترسی در سایت:

http://iiichs.org/index.asp?img_cat=5&img_type=0

سایت الف (۱۳۹۲)، اسناد جدید سیا چه چیزی را درباره کودتای ۲۸ مرداد نشان می دهند؟ قابل دسترسی در سایت:

<http://alef.ir/vdceop8zwjh8o7i.b9bj.html?196092>

سایت تابناک (۱۳۹۲)، اسناد کودتای ۲۸ مرداد، قابل دسترسی در سایت:

<http://www.tabnak.ir/fa/news/339296/>

C. M. Woodhouse (1982), something venture, Granada publishing, London.

J. Rhodri (1989), The CIA and American democracy, Yale University press, U. S. A.